

باسمه تعالی

عنوان کرسی: راهکارهای نوین هم‌نوایی پیروان ادیان از منظر قرآن کریم

ارائه دهنده: حجت الاسلام عباسعلی براتی (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: حجت الاسلام دکتر محمدباقر قیومی (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد دوم: حجت الاسلام دکتر محمد داسرشت (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

مدیر کرسی: سید اباذر هاشمی هریکندئی (معاون پژوهشی دانشگاه مجازی المصطفی)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: چهارشنبه (۱۲ بهمن ۱۴۰۱)، ساعت ۱۰-۱۲

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس محتوای کرسی به ارائه نظر و بررسی و نقد منتهی شد. بر این اساس، ارائه دهنده حجت الاسلام براتی به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند: جنبش‌های دینی نوین و معنویت‌های بدیل در دین‌پژوهی مدرن باعث تضعیف خوانش‌های دینی بومی، رواج کثرت‌گرایی دینی و، در نتیجه، تزلزل جایگاه اعتقاد دینی مردم در ایران و بسیاری از کشورها شده است.

نمونه‌هایی از ادیان جدید (آیین بهائی) جنبش‌های دینی نوین (مسیحیت تبشیری) و معنویت‌های بدیل (عرفان‌های کاذب) با بی‌بندوباری بسیار نزدیک هستند و این چیزی است که با تحولات جهان معاصر و دین‌پژوهی مدرن پدید آمده است؛ اما از یک نگرانی پرده برمی‌دارد: تضعیف خوانش‌های سنتی و ایمانی شیعی، رواج کثرت‌گرایی دینی و در نتیجه تزلزل جایگاه اعتقادات دینی در کشور.

از طرفی، رسانه‌های دولتی، نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی، از منابر مساجد و حسینیه‌ها و حوزه‌ها گرفته تا روزنامه‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی، کتابها و نشریات درباره عرفان‌های کاذب/ وارداتی/ انحرافی/ نوظهور یا "عرفان‌واره‌ها" و "شبه‌عرفان‌ها" گزارشهایی را ارائه می‌کنند. همچنین وزارت اطلاعات قسمتی به نام "میز فرق ادیان" را تأسیس کرده که نقش بسیار فعالی در مبارزه با این گروه‌ها دارد. افزون بر این، در گوشه و کنار کشور هم نهادهای گوناگونی برای مبارزه با "عرفان‌های کاذب" پدید آمده‌اند. در یک دهه گذشته در قم حداقل پنج نهاد فرهنگی تأسیس شده که به تألیف و ترجمه آثار علی‌ه عرفان‌های انحرافی مشغول هستند. حوزه علمی قم نیز

بخشی به نام فرق و ادیان تأسیس کرده که همایش‌ها و کارگاه‌های پرشماری را در سراسر کشور برگزار می‌کند. وزارت کشور و سازمان بسیج مستضعفین نیز دو اداره مبارزه با "عرفان‌های کاذب" تشکیل داده‌اند. نهادهای قضائی و امنیتی کشور نه تنها صدها تن از پیروان معنویت‌های نوین بلکه برخی از رهبران این گروه‌ها/جنبش‌ها، از جمله محمد علی طاهری (بنیان‌گذار "عرفان حلقه") را به انجام جرایمی محکوم و بعضی دیگر، از جمله کریم زرگر (بنیان‌گذار "راه معرفت") و مروج جنبش معنوی "اکنکار" را مجازات کرده‌اند.

معنویت‌های نوین، جنبش‌هایی هستند که به طور برنامه‌ریزی شده و با کنار گذاشتن بخشی از باورها و ارزش‌های تمدن مادی در واکنش به مقتضیات مدرنیته به وجود آمده‌اند. مفاهیم جامعه‌شناختی نظیر فرقه، کلیسا، جنبش دینی نوین، دین جدید، دین جهانی، و معنویت نوین/بدیل/شخصی/زندگی، ابزارهایی اکتشافی برای مطالعه گروه‌های دینی و معنوی هستند. باید به خاطر داشت که اینها "نمونه‌هایی آرمانی" اند که به مثابه ابزارهایی تحلیلی برای مقایسه پدیده‌ای واحد با دیگر پدیده‌ها یا با خودش در گذر زمان به کار می‌روند. گرچه واقعیت فی‌نفسه محتوای نمونه آرمانی را تعیین نمی‌کند، اما ممکن است به آن اشاره کند. هر چند قرار نیست که دانشمندان علوم اجتماعی در باب صدق یا کذب یک نمونه آرمانی سخن بگویند اما باید دل‌نگران سودمندی‌اش باشند.

بنابراین، برای مطالعه هر گروهی باید به ویژگی‌های خاص آن گروه در هر مسئله توجه کرد. همچنین باید میان تعاریف گرایشی و گزارشی تمایز گذاشت. دسته اول گزاره‌های "کم و بیش صحیح" درباره معنایی هستند که مردم از مفهومی خاص اراده می‌کنند اما دسته دوم ابزارهای روش‌شناختی "کم و بیش مفیدی" اند که جامعه‌شناسان به کار می‌برند. هر چند مرزهای مفهومی برای کارکرد سامان یافته هر جامعه‌ای ضروری اند اما به شیوه‌ای "کم و بیش دلخواه" به دست مدیران جامعه ترسیم می‌شوند. باید دریابیم که تعاریف، مبتنی بر کنترل اجتماعی و روابط قدرت اند. دانشگاهیان و پژوهشگران کارگزاران کنترل اجتماعی اند که ابزار تعریف و مشروعیت‌بخشی به موضوعات مورد مطالعه خود را در اختیار دارند؛ مثلاً در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جامعه‌شناسان ژاپنی مسیحیت را دینی رسمی و ادیان ژاپنی جدید را "شبه‌دین"، "جعلی"، "کاذب"، "بیگانه" و "وارداتی" می‌شمردند.

امروزه پژوهشگران دریافته‌اند که تعریف گروه‌های دینی جدید در قالب کیش‌های "انحرافی" از جانب بعضی گروه‌های اجتماعی است که به انواع مختلف توانایی صدور حکم را دارند. در مقایسه نگرش‌های موجود به بهائیان در کشورهای غربی و اسلامی، آلن آلدریج نشان می‌دهد که هیچ کوششی جهت "تمتاز ساختن دین اصیل از کاذب" موضوعی صرفاً دانش‌پژوهانه نیست. در حالی که کشورهای غربی آیین بهائی را دینی صلح‌دوست، قانون‌پذیر و سهیم در انسجام اجتماعی تلقی می‌کنند، اکثر جوامع اسلامی این آیین را بدعتی درخور مجازات می‌شمارند و علت آن هم کارکرد مختلف این فرقه برای کشورهای غربی و شرقی است. همین امر نشان می‌دهد که مسأله تعریف، فعالیتی صرفاً دانش‌پژوهانه نیست چه که تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره مردم و حقوق مدنی آنها دارد. بنا براین، جامعه‌شناسان دین باید مراقب باشند تا تعاریف "ارزش‌گذارانه" از یک جنبش با "تعاریف توصیفی" خلط نشود؛ در غیر این صورت، ادیانی را که تصدیق می‌کنند "اصیل" و "آنهايي" را که انکار می‌کنند "جعلی" می‌شمارند.

هدف از تعریف جنبش‌های معنوی نوین به این شرح است: نخست این که همه جنبش‌های دینی برآمده از ادیان دیگر را شامل شود. یعنی انواع کلیساهای مسیحی که امروزه در دنیا فعال شده‌اند، معابد و مراکز آموزشی که بوداییان در سراسر جهان تأسیس کرده‌اند و همچنین حرکت‌هایی که هندوها، پیروان تائو و شینتو و یهودیان دارند، در این تعریف بگنجد. حرکت‌هایی که در درون ادیان دیگر صورت گرفته‌گامی در حد تغییرات ساده‌ای است که حتی پیروان و روحانیون آن ادیان می‌پذیرند مثل کویکرها که فرقه‌ای از پروتستان‌ها هستند، اما گاهی بسیار رادیکال عمل می‌کنند، به طوری که نهادهای رسمی دین مادر هم آنها را نمی‌پذیرند نظیر فرقه شهود یهوه (شاهدان یهوه).

مطلب دیگر، معنویت‌های دین پایه و دین ستیز و التقاطی است؛ این معنویت‌ها گاهی از این هم فراتر رفته و کلاً سرفصل تازه‌ای را در دین اصلی می‌گشایند و مثل ویساریون‌ها به نوعی آن را تبدیل به دین دیگری می‌کنند. آنها با ادعای فردی به نام ویساریون که خود را مسیح معرفی می‌کند به دور او جمع شده و زندگی متفاوتی را آغاز کرده‌اند. بهائیت، جنبش آل یاسین و عرفان حلقه هم در دنیای اسلام چنین وضعیتی دارند. بعضی از این جنبش‌ها که به تغییر دین دست می‌زنند با تلفیق و التقاط آموزه‌های ادیان مختلف چنین کاری می‌کنند مثل رام‌الله در ایران و یوگاناندا در هند. البته ممکن است خود این افراد ادعای دین‌آوری نداشته باشند یا دست کم این ادعا را به طور عمومی اعلام نکنند. در موارد دیگری اساساً بدون نسبت با ادیان اصیل یک دین نوین از آغاز تأسیس می‌شود نظیر ساینیتولوژی (مکتبی که اصالت را به علم تجربی می‌دهد).

آخرین هدف که از این تعریف داریم این است که سنت‌های کهن معنوی و دینی را خارج کند و حرکت‌های جدید را پوشش دهد. از جمله صوفیان و دراویش را که به شیوه‌های سنتی در جامعه زندگی می‌کنند خارج سازد و در مقابل جریان‌های مدعی تصوف که خود را با شاخص‌های جمن‌ها (جنبش‌های معنوی نوین) تطبیق داده‌اند و یا بر اثر تغییرات زندگی امروزی در باورها و آیین‌های خود تحول ایجاد کرده‌اند، شامل شود. بنابراین تعریف مورد نظر فرقه دراویش گنابادی را در وضعیت کنونی که از سنت‌های خودشان عدول نکرده‌اند در بر نمی‌گیرد، ولی برخی از شاخه‌های اهل حق و نوربخشیه را در بر می‌گیرد.

امر مقدس هیچگاه ایستا نیست بلکه همیشه کم‌وبیش در حال تحول است. امر مقدس هم به بستر اجتماعی خود شکل می‌دهد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. در سراسر تاریخ و در همه فرهنگ‌ها جنبش‌های اصلاحی شکل گرفته، کانون‌های فکری جدیدی پدیدار شده، آرای عرفانی نوینی ظهور کرده، بنیادگرایی سر بر آورده و صورت‌های کهن دینی دیگرگون شده است. به عبارت دیگر، فرقه‌ها، جنبش‌های دینی، ادیان جدید و معنویت‌های بدیل همواره جزئی از تاریخ امر مقدس بوده‌اند. هرگاه افراد و جوامع بر اثر رویارویی با دیگر فرهنگ‌ها و تغییرات اجتماعی و فشارهای روان‌شناختی با چالش‌های جدیدی روبرو شده‌اند تحولات دینی مهمی رخ داده است.

در دنیای معاصر بیش از سی هزار دین، جنبش دینی، فرقه و معنویت نوین وجود دارد که افرادی از پیشینه‌های گوناگون و بنا به دلایلی متفاوت به آنها پیوسته‌اند.

از طرفی، برخی پژوهشگران بر این باورند که این تکرر پاسخی به بسط و توسعه جهانی فرهنگ غربی مک‌دونالدی سکولار عقلائی است. زمانی ظهور جنبش‌های دینی و معنویت‌های نوین را پیامد سکولاریزاسیون و حاکی از کاهش

باور به عناصر ماوراءالطبیعی می‌دانستند؛ اما اکنون اکثر جامعه‌شناسان عقیده دارند که بسیاری از مردم همچنان به پدیده‌های ماوراءالطبیعی باور دارند ولی شمار فزاینده‌ای از آنها از دین سنتی می‌گریزند. به عبارتی، سکولاریزاسیون فرایندی خود-محدودکننده است که به احیا و نوآوری دینی و معنوی می‌انجامد. به نظر استارک و پینبریج، پیش از انقلاب علمی، ادیان نهادینه سنتی تنش اندکی با جامعه داشتند و جهان‌بینی آنها بخش انفکاک‌ناپذیری از فرهنگ عمومی جامعه بود اما با ظهور علم تجربی، ناسازگاری دعای این ادیان با علم تجربی نوین، تنش آنها با جوامع را به شدت افزایش داد. در نتیجه، راه برای ظهور ادیان جدید، جنبش‌های دینی نوین و معنویت‌های بدیل هموار شد. پیدایش ادیان، فرقه‌ها و معنویت‌های نوین در یک صد سال گذشته بسیار بیشتر از قرون پیشین بوده است. جهانی‌شدن نه تنها به رشد ادیان، جنبش‌های دینی و معنویت‌های نوین یاری رسانده بلکه بر آگاهی جهانی از کثرت‌گرایی دینی افزوده است.

به باور گوردون ملتون، پژوهشگر نامدار جنبش‌های دینی نوین، تنوع و تکثر دینی جوامع غربی از قرن بیستم به این سو از هنگام مسیحی شدن کنستانتین، امپراتور رم، بی‌سابقه بوده زیرا تکثر دینی معاصر، سلطه دیرپای مسیحیت را متزلزل ساخته است. در چنین شرایطی بسیاری از مردم از ادیان سنتی روی می‌گردانند و به معنویت‌های نوین روی می‌آورند. یکی از مهم‌ترین تحولات یک صد سال گذشته پیدایش صورت‌هایی از باور و کردار شخصی و غیر نهادینه بوده است. امر مقدس همچنان حضور دارد ولی به طور فزاینده‌ای در قالب صورت‌هایی غیر سنتی تبلور می‌یابد. گریس دیوی این پدیده را "باور داشتن بدون تعلق داشتن" می‌خواند، یعنی همان ویژگی مهمی که معنویت را از دین متمایز می‌سازد.

در سراسر تاریخ و در همه فرهنگ‌ها جنبش‌های اصلاحی شکل گرفته، کانون‌های فکری جدیدی پدیدار شده، آرای عرفانی نوینی ظهور کرده، بنیادگرایی سر بر آورده و صورت‌های کهن دینی دیگرگون شده است. به عبارت دیگر، فرقه‌ها، جنبش‌های دینی، ادیان جدید و معنویت‌های بدیل همواره جزئی از تاریخ امر مقدس بوده‌اند.

برخلاف صورت‌های سنتی دینی، معنویت‌های نوین بر خویشتن خویش، طبیعت، یا خود زندگی تأکید می‌کنند. هر چند ممکن است که فرد پیرو این معنویت‌ها بعضی تعالیم سنتی را ارج بگذارد اما در کل نسبت به مراجع سنتی، متون مقدس، نهادهای دینی و سلسله مراتب قدرت، سوءظن شدیدی دارد. بسیاری از افراد از "دینی" می‌گریزند که به امری بیرون از خویشتن (خدا، کتاب مقدس، نهاد دین، روحانیت) می‌پردازد و به "معنویتی" روی می‌آورند که بر خویشتن و امر شخصی و درونی تأکید می‌کند. بنا بر این، هر چند در ادیان بزرگ جنبش‌های عرفانی وجود دارد اما معنویت‌های نوین لزوماً به هیچ سنت دینی خاصی تعلق ندارند. ممکن است فرد پیرو این معنویت‌ها از آثار عرفای مسیحی یا متون بودایی یا تصوف الهام بگیرد اما این منابع الهام را نمی‌توان همچون کتاب مقدس یا قرآن مرجعی بیرونی شمرد. شاید رهرو معنویت‌های نوین در باب تعالیم مسیح، آرای تائو یا حتی اهمیت معنوی دلفین‌ها و بشقاب پرنده‌ها تأمل کند و مراقبه ورزد ولی در هر حال در راهی شخصی سلوک می‌کند که بر "خویشتن" متمرکز است و نه بر خدا و جهان.

پیدایش معنویت‌های نوین/بدیل/شخصی/زندگی، بخشی از تحول ذهنی انسان معاصر است. افراد ممکن است به گروه‌های خاصی تعلق داشته باشند، در طریقت مشخصی سلوک نمایند و به اصول معینی پایبند باشند اما در کل شاگردان مکتب فردگرایی معرفت‌شناختی اند که مراجعی ذهنی دارد، داور نهایی در امور مربوط به صدق دینی را جز خویشتن

خویش نمی‌شمارند، و هادی و راهبر خود را وحی یا مرجعی بیرونی نمی‌دانند بلکه از مقتضیات معنوی نفس خود پیروی می‌کنند. عجیب نیست که بسیاری از معاصرین ما می‌گویند معنوی اند نه دین‌دار زیرا دین را با سلسله مراتب نهادی، سنت و مراجعی بیرون از نفس انسان، همچون خدا(یان) و متون مقدس، یکسان می‌شمارند و در مقابل، معنویت را با زندگی به مثابه امری مقدس، بهروزی درونی و خویشتن خویش همانند می‌دانند.

به نظر آنها، اولویت با خدمت به نفس خویشتن است نه بندگی درگاه الهی. فرد همچون خریداری است که به سوپر مارکت کالاهای معنوی می‌رود و پس از جستجو در قفسه‌ها کالاهای گوناگونی از محصولات معنوی را در سبد خرید خود می‌گذارد بی آن‌که پیرو یک نظام اعتقادی خاص باشد. تأکید بر "انتخاب" ویژگی اصلی معنویت‌های نوین است. رهرو معنویت‌های نوین مصرف‌کننده‌ای پُست‌مدرن است که از صورت‌های دینی سلسله‌مراتبی، اقتدارگرا و انحصارطلب می‌گریزد. او در مقام فاعل مختار از هر گلستانی گلی می‌چیند و از هر بوستانی میوه ای. چنین است که برای خود هویتی چهل‌تکه می‌آفریند که هر جزئی از آن به فرهنگ خاصی تعلق دارد.

برخی جوانهای تهرانی پیرو معنویت‌های نوین در برابر مجسمه‌ای از بودا زانو می‌زنند که از فروشگاه‌های در بانکوک خریده اند، بوی دود عودی را استشمام می‌کنند که در پونا توسط پیروان سای بابا پرورش تهیه شده، هم‌زمان بر عباراتی از مسیح و اوشو و پاولوکوئیلو تأمل می‌کنند، به قوالی نصرت فاتح علی خان گوش می‌سپارند، سماع صوفیان طریقت مولویه در ترکیه را نظاره می‌کنند، نشان فروهر بر گردن می‌اندازند که ویژه زرتشتیان است، شلوارچین می‌پوشند که نماد فرهنگ غربی است، آتش نذری می‌پزند که نماد فرهنگ مذهبی سنتی ایرانی است، سوشی می‌خورند که برگرفته از فرهنگ ژاپنی است، فیلم‌های کیشلوفسکی (لهستانی پدر مکتب اخلاقی رهایی) رامی‌بینند، به پاک‌سازی کوهستان می‌پردازند (فرهنگ محیط زیست و حقوق بشری غربی) و...

بسیاری از نودینان، نوکیشان و نومعنویون جهان را افراد بیست تا چهل ساله طبقه متوسط تشکیل می‌دهند که آینده کشور و ملت را تشکیل می‌دهند. شگفت نیست کشوری که نیمی از جمعیت آن را همین گروه سنی تشکیل می‌دهند، چنین نگران رشد فزاینده معنویت‌های نوین باشد. تکثر فکری، دینی و معنوی، باید با منافع ملی، فرهنگ بومی و آرمانهای تمدن هر ملت سازگار باشد.

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام براتی، ناقد اول حجت الاسلام دکتر قیومی در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- پیشینه این به انجیل متی برمیگردد.
- عدم انسجام و هارمونی هم در عنوان و هم در متن.
- روش شناسی: چگونه روش شناسی در فهم آیات را به کار ببریم تا اندیشه‌های شخصی دخیل شود.
- آیات زیادی هست که قابل استفاده است.
- دلیل کافی برای مدعا مطرح نشده است.
- مفاهیم شفاف نیست، گاهی سکولاریزه، گاهی جنگ تحمیلی و

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر داسرشت به موارد زیر پرداختند:

- راهکار زیر مجموعه راهبرد است که منجر به عملیات می شود
- بهره گیری از ظرفیت ها، همکاری برای جلوگیری از بی بند و باری
- از ظرفیت ها استفاده شود
- پس ذهن هایی که داشتند را ارائه نکردند، مانند عبارت جنگ مقدس، اما بحث انگار به گونه ای است که اسلام جهاد را قبول ندارد.
- تذبذب در فضای متن مشاهده می شود.
- برگردان مفاهیم با ادیان امروز و بین الملل جای تحسین دارد.
- در تاریخ اسلام با همه مدارا شده اما استثنائاتی هم وجود دارد.
- بزرگترین چالش فراروی ادیان استحاله دینی است.
- ارتباط این مساله با جهانی سازی و برخورد تمدن ها.
- عدم ارتباط آیات مبارکه سوره ممتحنه با مساله ادیان.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.